The Theory of unpredictable affairs and Adaptation of administrative contracts

Mohammadreza Bahrami[۱] , Asadollah Yavari[۲]

۱. PhD Student in Public Law, Research Scienes Azad University; Tehran, Iran. negahebayeneh@yahoo.com

2. Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University; Tehran, Iran. (Corresponding author)yavariamir@hotmail.com

Date Received : 2022/09/14
Date of correction 2022/10/20
Date of Release: 2022/11/06

Abstract

The theory of unpredictable affairs and its application in administrative contracts is done with the aim of adapting the contract to the wishes of the parties and social and economic necessities. In general, in legal writings, three executive methods for modifying and adapting the contract are introduced, which are: suspension and delay of contract execution (if the events are temporary and the fulfillment of the obligation and the time of its fulfillment have the two desireds), reducing the amount Excessive liability or increase in the amount of liability of the other party (as the dominant method in compliance with administrative contracts) and finally, the order to pay damages (based on non-contractual liability due to defects in this article, in this paper, the method of payment based on the obligation The cooperation of the parties resulting from the principle of good faith is suggested). However, the result of unpredictable events may not be merely "burdening and costing the performance of the contract, but, on the contrary, will lead to profit and benefit. In the latter case, too, the theory of the unpredictable has the potential to provide a solution and, as the Nancy Court of Appeal ruled (indirectly), in the distribution of profits. Incidental changes appear and are proposed as an emerging method of contract compliance.

Keywords: Theory of unpredictable affairs, Adaptation of contracts, suspension of contract, profit sharing.

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

فصلنامه حقوق اداری
سال دهم، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۳۳
مقاله علمی پژوهشی

نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی و انطباق قراردادهای اداری

محمدرضا بهرامی[۱]؛ اسداله یاوری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

چکیده

نظریه امور غیرقابل پیش‌بینی و اعمال آن در قراردادهای اداری، با هدف انطباق قرارداد با خواست طرفین و ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. به‌طور کلی در نوشته‌های حقوقی سه روش اجرایی برای تعدیل و انطباق قرارداد معرفی می‌شود که عبارتند از: تعلیق و تأخیر اجرای قرارداد (در صورتی که وقایع حادث موقتی، و انجام تعهد و زمان انجام آن دارای تعدد مطلوب باشد)، کاهش میزان تعهد گزاف و یا افزایش میزان تعهد طرف مقابل (به‌عنوان شیوه غالب در انطباق قراردادهای اداری) و در نهایت، حکم به پرداخت خسارت (بر مبنای مسئولیت غیرقراردادی که به دلیل ایرادات وارد بر مبنای مزبور، در نوشتار حاضر شیوه پرداخت خسارت بر مبنای الزام همکاری متعاقدین منتج از اصل حسن نیت، پیشنهاد می‌گردد). لیکن نتیجه حدوث امور غیر قابل پیش‌بینی ممکن است صرفاً پرهزینه کردن اجرای قرارداد نباشد، بلکه برعکس، منجر به جلب سود گردد. سودی که از یک سو حاصل از اجرای قرارداد تلاش مشترک متعاقدین بوده، لیکن از سوی دیگر، فقط عاید یکی از آن‌ها می‌شود. در حالت اخیر نیز همان‌طور که در رأی دادگاه تجدیدنظر نانسی (به‌طور غیر مستقیم) مورد حکم قرار می‌گیرد، نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی در تقسیم سود حاصل از تغییرات حادث به عنوان روشی نوظهور از انطباق قرارداد ظاهر می‌گردد. بنابراین در نوشته حاضر و با مراجعه به منابع مربوط و به صورت تحلیلی- توصیفی، ضمن پاسخ به مسأله تأثیر امور غیر قابل پیش‌بینی در قراردادهای اداری در قالب انطباق قرارداد، شیوه‌های چنین انطباقی مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژگان: نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی، انطباق قرارداد، تعلیق قرارداد، تقسیم سود.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
negahebayeneh@yahoo.com
۲. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
yavariamir@hotmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

مقدمه

در نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی از جمله راهکارهای پیشنهادی جهت برقراری مجدد تعادل قراردادی، الزام به مذاکره مجدد و در صورت شکست آن، خاتمه قرارداد است. لیکن به دلیل برخورد این راهکارها با ثبات و استمرار عقود، و وجود مشکلات عدیده‌ای در شروع و جریان مذاکره مجدد و خاتمه قرارداد، معایب و مشکلات استفاده از روش‌های فوق زمانی از بین رفته و مرتفع می‌شود که با اتخاذ روش میانه یعنی تعدیل یا انطباق قرارداد در مفهوم اخص، مفاد قرارداد با شرایط و اوضاع و احوال جدید منطبق و هماهنگ شود (مزارعی، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

در واقع مسأله اصلی این است که کدام یک از آثار نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی با ماهیت و ویژگی‌های این نظریه به ویژه در حوزه قراردادهای اداری تناسب دارد؟ در پاسخ به آن می‌توان گفت، انطباق قرارداد با اوضاع و احوال حادث است که چون جامع دو مصلحتِ، ثبات و استمرار معاملات از یک طرف و لزوم جبران ضرر ناروا و توجه به اراده و خواست متعاقدین در پذیرش تعهدات قراردادی از طرف دیگر می‌باشد، روش مناسبی تلقی می‌گردد. در خصوص قراردادهای اداری به مصالح پیش گفته می‌بایست مصلحت تأمین منافع عمومی را نیز افزود. چه اینکه در این مدل قراردادی علاوه بر اطراف عقد، منافع عموم جامعه نیز مطرح بوده و در واقع به دلیل تأمین چنین منفعتی است که ارگانی دولتی اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید. پس مهمترین اثر نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی در قراردادهای اداری نیز انطباق یا تعدیل قرارداد است. در نتیجه در نوشتار حاضر با مراجعه به نوشته‌های مرتبط و به روش تحلیلی- توصیفی، ضمن ترسیم چهارچوب انطباق قضایی قراردادهای اداری در دیدگاه کلی، سعی خواهیم کرد تا با پاسخ به مسأله مطروح یعنی تأثیر نظریه امور غیرقابل پیش‌بینی در قراردادهای اداری، زمینه‌ای برای پذیرش قانونی تعدیل قضایی در این مدل قراردادها فراهم و پیشنهاد شود. در خصوص موضوع مذکور نوشته‌هایی وجود داشته[1] که غالباً در تحقیق حاضر مورد استناد قرار گرفته است، لیکن همانطور که از مراجعه به آنها مستفاد می‌گردد. از یک سو در تحقیقات صورت گرفته به‌طور کلی به نظریات موافقان و مخالفان تعدیل اشاره شده و با پذیرش نظر موافقان تعدیل، انواع شیوه‌های اجرایی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد در حالی که در تحقیق حاضر

۱. به‌عنوان نمونه رجوع کنید به: رستمی، ولی (۱۳۹۴)، «تعدیل در قراردادهای اداری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۴، شماره ۲.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

بدون ورود به نظریات موافقان و مخالفان، به صورت اختصاصی به شیوه انطباق قراردادهای اداری پرداخته شده و از سوی دیگر در تمامی نوشته‌های سابق، تأثیر امور غیرقابل پیش‌بینی و راه‌حل پیشنهادی بر این فرض متکی است که حدوث امور غیر منتظر باعث سنگینی تعهدات قراردادی و تحمیل هزینه‌های گزاف به متعاقدین یا یکی از آن‌ها می‌گردد، در حالی که همانطور که در تحقیق حاضر و در پرونده دادگاه نانسی به تفصیل بدان اشاره خواهد شد (که می‌توان گفت اولین و تا حدودی تنها مورد می‌باشد)، ممکن است حدوث امور نامنتظر باعث کسب سود گردد، موردی که هیچ راه حلی در نوشته‌های سابق به دلیل عدم پیش‌بینی آن، ارائه نشده است.

بنابراین، ابتدائاً به صورت مختصر مفهوم و مسائل مطرح شده در خصوص انطباق قرارداد (۱) و تحلیل تطبیقی (۲) آن را بیان کرده و سپس، به‌طور تفصیلی شیوه‌های تطبیق قرارداد (۳) را مورد بررسی قرار خواهیم داد و در این مبحث اخیر است که جلوه‌ای جدید از اعمال نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی طرح می‌گردد، یعنی حالتی که در آن حدوث وقایع، برخلاف نگاه سنتی به نظریه مزبور و قلمرو اجرایی آن، که محدود به جایی است که متعاقب وقوع امور غیر قابل پیش‌بینی، اجرای قرارداد به شدت پرهزینه و سنگین می‌شود؛ باعث ایجاد سود پیش‌بینی نشده‌ای می‌گردد که طرفین در نحوه توزیع آن وارد اختلاف می‌شوند. امری که در یکی از پروسه‌های رسیدگی حقوق فرانسه مطرح شده و توجه به آن برای ارائه نظری جامع از تئوری امور غیر قابل پیش بینی ضروری بوده و در نوشته‌های حقوقی مغفول مانده است.

۱: مفهوم و مسائل مطروح پیرامون انطباق قرارداد

در تعریف تعدیل یا انطباق در مفهوم اخص آن به گفتهٔ برخی از نویسندگان: «تعدیل قرارداد به معنی تغییر شروط اولیهٔ قرارداد به‌منظور تقسیم خطرات حادثهٔ پیش بینی نشده بین طرفین آن است». به عبارت دیگر، تعدیل قرارداد به معنای تصرف در مفاد تراضی و تغییر در شرایط و مندرجات قراردادی است که با هدف منطبق کردن آن با خواست جدید دو طرف یا ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم صورت می‌پذیرد. (شفایی، ۱۳۷۶: ۱۴۹؛ غمامی و خدادادی، ۱۳۹۴: ۶۳۴)

این موضوع، قلب مباحث مربوط به تئوری امور غیر قابل پیش‌بینی است. نه تنها مفهوم انطباق و میزان و وسعت مداخله در روابط قراردادی بحث برانگیز است، بلکه اعطای مجوز و قدرت اصلاح قرارداد به قاضی، قبلاً با برخی مخالفت‌های نظری روبه‌رو شده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

در ابتدا باید توجّه داشت که اگر انطباق قرارداد توسط قاضی یا داور، یک اثر معمولی از نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی باشد، تنها اثر آن نیست. زیرا قاضی همچنین می‌تواند طرفین را به مذاکره سوق دهد یا قرارداد را فسخ نماید.

در بیشتر موارد، هنگامی که طرف قربانیِ اختلالات پیش آمده (غالباً پیمانکار در قراردادهای اداری) از قاضی یا داور تقاضا می‌کند که قرارداد را با وضعیّت جدید تطبیق نماید، درخواست وی باعث ایجاد تعهدات قراردادی خاص یا تحمیل بخشی از سنگینی هزینه‌های پیش آمده به طرف دیگر قرارداد می‌شود. تنظیم و تطبیق تعهدات قراردادی معمولاً به‌صورت تمدید مهلت و تغییر در کیفیّت کالا یا تغییر در محل تحویل صورت می‌گیرد. همچنین می‌تواند معافیت جزئی از تعهدات قراردادی (مانند مجازات تأخیر یا خسارت تنبیهی) باشد، چیزی که در زمینه فورس ماژور یک روش جاری و غالب است.

در برخی شرایط، تعدیل قیمت ممکن است مناسب‌ترین راه حل باشد. به‌عنوان مثال در مواردی که وابستگی اقتصادی بین اطراف عقد وجود داشته باشد یا اینکه قرارداد توسط شخص دیگری قابل انجام نباشد. بنابراین تعدیل قیمت در مورد قرارداد تأمین مواد اوّلیه ضروری برای فعالیّت خریدار یا قرارداد ساخت پروژه‌های صنعتی که در آن فسخ قرارداد می‌تواند هزینه‌های جایگزینی شخص دیگر و نرخ تمام شده کارها و کالاها را به شدت بالا ببرد، اعمال می‌گردد.

یافته مشترک (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۱: ۳۶۰؛ مزارعی، ۱۳۹۴: ۱۰۹؛ Mazeaud, ۲۰۰۵; ۱۵) در تمامی این وضعیّت‌ها این است که چون در این موارد انحلال قرارداد منجر به نتایج ویرانگری برای یکی از طرفین خواهد شد؛ لذا حفظ قرارداد پس از تطبیق با شرایط جدید با هدف تضمین ماهیّت معاوضه‌ای آن برای آینده (تعادل اقتصادی)، ضروری است و به همین دلیل است که در نظام حقوقی مانند فرانسه که اخیراً ذیل ماده ۱۱۹۵ کد سیویل اصلاحی ۲۰۱۶ (بزرگمهر و مهرانی، ۱۳۹۵: ۵۰) صراحتاً نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی را پذیرفته و در قسمت اخیر ماده مزبور، در صورت عدم توافق طرفین (تعدیل قراردادی)، به قاضی اختیار اتخاذ راه حل تعدیل یا فسخ قرارداد را داده است، معتقدیم قاضی در استفاه از شیوه فسخ آنچنانی که در نگاه نخست از ماده مزبور به دست می‌آید، مختار و آزاد نیست. پس به دلیل نتایج مخرب فسخ قرارداد، قاضی زمانی می‌تواند از فسخ استفاده نماید که امکانی برای تعدیل و انطباق قرارداد وجود نداشته باشد (Mazeaud, ۲۰۰۵; ۱۷).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

۲. تحلیل تطبیقی انطباق قرارداد

از نگاه تطبیقی نیز هدف از یافتن تعادل جدید در قرارداد، تسهیم عادلانه سود و هزینه‌های اضافی بوده که در پروژه‌های چهارچوب مرجع مشترک و همچنین اصول unidroit و اصول اروپایی حقوق قراردادها مد نظر قرار گرفته است. در اسناد مزبور می‌خوانیم:

«۲) .... قاضی می‌تواند به‌طور منصفانه در قرارداد تجدیدنظر کند.... ».[۱]

«۲) دادگاه می‌تواند: الف) به منظور معقول و منصفانه کردن تعهد با شرایط جدید، آن را تغییر دهد».[۲]

«۴) دادگاهی که وجود هاردشیپ را احراز می‌کند می‌تواند، اگر منطقی بداند: ب) قرارداد را با هدف بازگرداندن تعادل عوضین، با شرایط جدید تطبیق نماید».[۳]

«۳) اگر طرفین در یک زمان معقول توافق نکنند، دادگاه می‌تواند: ب) یا قرارداد را تطبیق دهد تا سود و زیان ناشی از تغییر شرایط را بین طرفین توزیع کند».[۴]

به موجب ماده ۱۴۷ قانون مدنی ۱۹۴۹ مصر (پارساپور، ۱۳۹۴: ۳۸)، چنانچه حوادث استثنایی پیش‌بینی نشده و عام که مورد انتظار طرفین نیست، واقع شده و اجرای تعهد را برای متعهد به شدت دشوار سازد و خسارت قابل توجهی به وی تحمیل نماید، قرارداد فسخ نمی‌شود و قاضی می‌تواند با لحاظ مصلحت طرفین و اوضاع و احوال جدید، التزامات عقد را تا حد معقول تعدیل کند و هر توافقی برخلاف آن باطل است. به همین دلیل است که حقوقدانان مصری نتیجهٔ تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر اجرای قرارداد را انحلال عقد ندانسته، حکم به تعدیل روابط قراردادی می‌دهند. استدلال آنان این است که دشواری اجرای تعهد نمی‌تواند به انحلال قرارداد منجر شود و از طرف دیگر به‌دلیل دشواری اجرای تعهد، الزام متعهد به انجام مفاد قرارداد در شرایط پیش آمده ممکن نیست؛ پس به ناچار باید قاضی حکم به تعدیل قرارداد بدهد. (غمامی و خدادای، ۱۳۹۴: ۶۲۹ – ۶۲۶) البته هرگاه حادثه موقتی باشد، اجرای قرارداد تا رفع حالت فوق‌العاده تعلیق می‌گردد. این نظریه در حقوق مصر، در امور مدنی و اداری پذیرفته شده و به موجب ماده ۱۴۷، در سایر موارد جاری است (ماده ۶۰۸ در اجاره؛ بندهای ۳ و ۴ ماده ۶۵۸ در پیمانکاری؛ و بند ۲ ماده ۳۴۶ راجع به

---

۱. Projet AHC/SLC, art. 7:101 (2).
۲. DCFR, Livre III, art. 3:110 (2).
۳. Principes Unidroit, art. 6.2.3. (4).
۴. Principes Européens, art. 6:111 (3).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

مدیون). در دیگر کشورهای عربی نیز مفاد این نظریه به صورت مـواد قـانونی درآمـده که مواد ۱۴۶،۷۹۰ و ۷۹۲ قانون مدنی عراق، مواد ۱۴۷ و ۶۰۷ قانون مدنی لیبـی، و مـواد ۱۴۸ و ۵۷۵ قانون مدنی سوریه از آن جمله هستند. (پارساپور، ۱۳۹۴: ۳۹)

نظام حقوقی فرانسه از این هم فراتر رفته زیرا در ماده ۱۱۹۵ اصلاحی کد سیویل سال ۲۰۱۶، تصریح می‌کند: «اگر در اوضاع و احوال حاکم بر عقد تحولی روی دهد که حین عقد قابل پیش‌بینی نبوده باشد به نحوی که اجرای قرارداد برای یک طرف قرارداد که وجود آن خطر را قبول نکرده است، طاقت فرسا شود، او می‌تواند از طرف دیگر درخواست مذاکره دوباره قرارداد را بنماید. وی در حین مذاکرات دوم تعهدات خود را می‌بایست اجرا نماید. در صورت امتناع از مذاکره یا عدم موفقیت در مذاکره، طرفین می‌توانند به فسخ قرارداد در زمان و با شرایطی که تعیین می‌کنند مبادرت ورزند یا در طی یک درخواست مشترک از قاضی بخواهند قرارداد آنها را تعدیل نماید. در صورتی که توافقی در طی یک مدت معقول صورت نگیرد، قاضی می‌تواند به درخواست یک طرف معامله، قرارداد را در تاریخ و شرایطی که خودش تعیین می‌کند، تعدیل یا فسخ کند». (بزرگمهر و مهرانی، ۱۳۹۵: ۵۰) بنابراین در این نظام حقوقی پیشرفته که آغازگر تئوری امور غیر قابل پیش‌بینی نیز می‌باشد، متعهدله در صورت عدم پذیرش پیشنهاد متعهد، بر خلاف حقوق مصر، حق فسخ ندارد، بلکه اختلاف در این حالت به دادگاه ارجاع شده و این دادگاه است که بنا به مورد و با توجه به مقتضیات هر قرارداد، تصمیم می‌گیرد که حکم به تعدیل قرارداد بدهد یا آن را فسخ کند. که به نظر می‌رسد مادامی که امکان تعدیل قرارداد وجود داشته باشد، به دلیل آثار مخربی که انحلال عقد برای طرفین می‌تواند داشته باشد، دادگاه از اختیار فسخ خود استفاده نخواهد کرد.

بنابراین، تطبیق قرارداد با هدف بازگرداندن تعادل اقتصادی قرارداد، قاضی را ملزم می‌کند تا تأثیر این تعدیل را برای دو طرف قرارداد در نظر بگیرد و نه فقط برای طرفی که از اختلالات پیش آمده متأثر شده است. لذا، به نظر می‌رسد توجّه به این هدف در چهارچوب استاندارد نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی به منظور انجام عملکرد دوگانه، یعنی راهنمایی و محدود کردن عمل قاضی، که تأمین کننده امنیّت بیشتر در این روند خواهد بود، بسیار مفید باشد.

برعکس، پروژه وزارت دادگستری اسپانیا، اگرچه به‌طور غیر مستقیم، اقدام قاضی را به سمت بازگرداندن منافع متقابل قرارداد هدایت می‌کند، که نزدیک به برقراری مجدد تعادل اقتصادی قرارداد است اما در این خصوص مقرر می‌دارد:

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

«درخواست فسخ قرارداد فقط زمانی قابل ارزیابی است که امکان‌پذیر نیست از پیشنهاد یا پیشنهادهای تجدید نظر در قرارداد، ارائه شده توسط هر یک از طرفین راه‌حلی برای بازگرداندن سود و منافع متقابل به دست آورد».[۱]

در نتیجه از توجه به قوانین و مقررات مختلفی که در خصوص انطباق قرارداد در نظام‌های حقوقی و مقررات بین‌المللی مختلف وجود دارد استنباط می‌شود که تمایل عمومی به برقراری امکان انطباق قضایی قراردادها بر مبنای تئوری امور غیر قابل پیش‌بینی است. در این راستا، پیشرفته‌ترین متن قانونی، ماده ۱۱۹۵ کدسیویل فرانسه بوده لیکن آن هم بی ایراد نیست. زیرا در ماده اخیر نیز فقط به نظریه امورغیرقابل پیش‌بینی در فرضی پرداخته شده است که حدوث وقایع باعث سختی در اجرای تعهدات قراردادی شود و فرضی را که در آن همین حوادث غیر قابل پیش‌بینی باعث جلب سود می‌گردد را در بر نمی‌گیرد. مسأله حدوث سود در متون و مقررات قانونی فقط در اصول اروپایی و در ماده .(۳) ٦:۱۱۱ art.[۲] پیش‌بینی شده لیکن همانطور که بیان خواهد شد، در تشریح جامع تئوری امور غیرقابل پیش‌بینی، می‌بایست ملحوظ نظر واقع شود. حال به بررسی روش‌های انطباق قراردادهای اداری می‌پردازیم.

۳. روش‌های انطباق قرارداد

همانطور که بیان شد، تعدیل با هدف منطبق کردن قرارداد با خواست طرفین و ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. در همین خصوص نویسندگان حقوقی سه روش اجرایی برای تعدیل قرارداد معرفی می‌کنند که عبارتند از: تعلیق و تأخیر اجرای قرارداد (۱-۳)، کاهش میزان تعهد گزاف و یا افزایش میزان تعهد طرف مقابل (۲-۳) (غمامی و خدادای، ۱۳۹۴: ۶۳۵)، حکم به پرداخت خسارت (۳-۳). لیکن همانطور که بیان شد نکته‌ای که در نوشته‌های حقوقی مربوطه مغفول مانده این است که حدوث امور غیر قابل پیش‌بینی ممکن است به جای سنگین و پرهزینه کردن اجرای قرارداد، منجر به جلب سود و منفعت گردد. سودی که حاصل از اجرای قرارداد و در نتیجه، تلاش مشترک متعاقدین بوده لیکن فقط عاید یکی از آن‌ها می‌شود، امری که از اجرای تعهدات قراردادی

---

۱. Projet du ministère de la Justice, art. 1.213. "La pretensión de resolución sólo podrá ser estimada cuando no quepa obtener de la propuesta o propuestas de revisión ofrecidas por cada una de las partes una solución que restaure la reciprocidad de intereses del contrato".

۲. Principes Européens, art. 6:111 (3).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

تحت تأثیر امور غیر قابل پیش‌بینی، حادث شده لیکن در خصوص آن، شیوه تسهیم قراردادیِ از قبل توافق شده وجود ندارد، موضوعی که در تشریح پرونده تجدیدنظر دادگاه نانسی به تفصیل بیان خواهد شد. در حالت اخیر باید بررسی شود که آیا نظریه امورغیر قابل پیش‌بینی در اثر انطباقی خود می‌تواند راهکاری داشته باشد؟ در پاسخ به همین سؤال است که در قسمت آخر به تقسیم سود حاصل از تغییرات حادث (۴-۳) به عنوان روشی نوظهور از انطباق قرارداد خواهیم پرداخت.

۳-۱. تعلیق و تأخیر اجرا

یکی از روش‌های تعدیل و انطباق قرارداد با اوضاع و احوال حادث، تعلیق اجرای تعهدات قراردادی است. به این معنی که دادگاه اجرای تعهد را تا رفع امر حادث و عادی شدن اوضاع و احوال متوقف می‌کند. این فرض هنگامی مطرح است که دشواری و پرهزینه شدن اجرای قرارداد در نتیجهٔ حادثهٔ دگرگون کننده، به صورت موقتی باشد و تأخیر در اجرای تعهد ضرری را متوجه متعهدله نسازد. که در این حالت بدون اینکه متعهد بتواند به تغییر اوضاع و احوال استناد کند (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۸۴)، با حکم به تعلیق اجرای تعهد، تا رفع مانع صبر کرده و سپس می‌بایست تعهدات قراردادی را اجرا نماید. با این حال، گاهی اجرای عقد پس از توقف، مغایر با قصد مشترک طرفین است؛ در چنین شرایطی امکان تعلیق اجرای تعهدات قراردادی وجود ندارد. (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۸۶)

به‌نظر می‌رسد، حکم به تعلیق اجرای تعهد تا رفع وضعیت فوق‌العاده و بازگشت به شرایط عادی زمان انعقاد قرارداد، به این دلیل است که گرچه شرایط لازم برای تحقق نظریه مربوط به تغییر اوضاع و احوال ایجاد شده است، اما این وضعیت دائمی نیست و با کمی انتظار اجرای تعهد میسر می‌شود. پرسشی که در بحث تعلیق اجرای تعهدات قراردادی، زمانی که اوضاع حادث حالتی گذرا و موقتی دارند، مطرح شده این است که آیا متعهدله مجبور به قبول تعلیق و انتظار است یا اینکه حق فسخ معامله را دارد؟ در پاسخ به سؤال مزبور گفته می‌شود که باید میان مواردی که زمان اجرای تعهد برای متعهدله اهمیت به‌سزایی داشته و با موضوع تعهد، دارای وحدت مطلوب است و مصادیقی که چنین اهمیتی دیده نمی‌شود و در اصطلاح زمان اجرا و موضوع تعهد دارای تعدد مطلوب است، تفکیک قائل شد. در فرضی که اجرای تعهد در زمان معینی مورد توجه متعهدله باشد و تغییر اوضاع و احوال اجرای تعهد را به نحو غیرمتعارف دشوار و پرهزینه کند، نمی‌توان حکم به تعلیق و تأخیر اجرا داد. اما در فرضی که انجام عقد خارج از زمان مقرر نیز مطلوب متعهدله است، باوجود سایر شرایط، امکان تعلیق وجود دارد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

با وجود این، از یک سو با در نظر گرفتن مفهومی که از تعلیق و تأخیر اجرای تعهدات قراردادی بیان شد و از سوی دیگر با توجه به تعریف تعدیل که به موجب آن تعدیل قرارداد به تأسیسی تعبیر می‌شود که به منظور تغییر شروط اولیهٔ قرارداد با هدف منطبق کردن آن با خواست جدید طرفین یا ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد؛ برخی از نویسندگان معتقدند که تعلیق، تعدیل به معنای واقعی کلمه نیست، زیرا در این روش، بدون ایجاد هیچ دخل و تصرفی در شرایط قرارداد و صرفاً با توقف در اجرای قرارداد، طرفین منتظر رفع مانع و عادی شدن اوضاع و احوال می‌شوند؛ بنابراین گفته می‌شود که در حقوق ایران، دادن مهلت عادله به مدیون یا صدور قرار اقساط برای پرداخت دین، از مصادیق توقف اجرای تعهد است که در قانون مدنی پذیرفته شده است و مشمول یکی از راه حل‌های ارائه شده در باب تعدیل قرارداد نمی‌شود. (غمامی و خدادای، ۱۳۹۴: ۶۳۵ و ۶۳۶)

لیکن از آنجایی که اگر مبنای مهلت عادله و قرار اقساط، امور داخلی و شخصی مدیون باشد همانند وضعیت بد مالی، مورد اساساً مشمول نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا حادثه‌ای نامنتظر رخ نداده است. مضاف بر اینکه در فرض تعلیق و تأخیر اجرای تعهدات قراردادی هم به نوعی در مفاد و شروط اولیه قرارداد تغییر ایجاد می‌گردد، چه اینکه زمان انجام تعهد که خود یکی از قیود تعهدات منتج از قرارداد است، با حالت ابتدایی مورد توافق متعاقدین، متفاوت می‌گردد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که استدلال مذکور که معتقد است تعلیق اجرای تعهد یکی از روش‌های تعدیل قرارداد نمی‌باشد، صحیح و تمام نباشد. چه اینکه مقنن ایرانی مصداقی از این اثر را در ماده ۱۵ قانون کار به صراحت پذیرفته است. بر اساس ماده مزبور: «در موردی که به واسطه قوه قهریه و یا بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی که وقوع آن، از اراده طرفین خارج است، تمام یا قسمتی از کارگاه تعطیل شود و انجام تعهدات کارگر یا کارفرما به طور موقت غیر ممکن گردد، قراردادهای کار با کارگران تمام یا آن قسمت از کارگاه که تعطیل می‌شود به حال تعلیق در می‌آید. تشخیص موارد فوق با وزارت کار و امور اجتماعی است».

معیار و ضابطه موقت بودن دشواری و مشقت حاصله از امور غیر قابل پیش‌بینی نیز عرف است. به این صورت که عرف با در نظر گرفتن وضعیت متعهد، شرایط و اوضاع و احوال حاکم در زمان انعقاد قرارداد، آثار مربوط به قرارداد و همچنین با توجه به خواسته‌ها و قصد مشترک طرفین و در واقع با عنایت به کلیه جوانب حاکم بر قرارداد، حکم مقتضی صادر می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

نکته دیگری که در این خصوص توجه به آن ضروری می‌نماید این است که موقت یا دائم بودن دشواری پیش‌آمده امری نسبی است. به این صورت که در هر قرارداد و با توجه به اوضاع و احوال خاص همان قرارداد، حکم متعارف صادر می‌شود. (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۴۸)

برخی از نویسندگان (حیدری فرد، ۱۳۹۶: ۱۱۸) معتقدند تعلیق در اجرای قرارداد در فقه امامیه نیز وجود دارد به این صورت که هر گاه در اثر حدوث حوادث پیش بینی نشده، اوضاع و احوال حاکم بر عقد به طور اساسی و بنیادی تغییر کند، قرارداد و تعهدات مندرج در آن به صورت موقت متوقف می‌شود. البته حکم مذکور در صورتی است که حالت مشقت ایجاد شده موقت بوده و اجبار متعهد به انجام تعهد بعد از رفع حادثه مزبور ممکن باشد و مهلت انجام تعهد از یک سو با خود تعهد مطلوب واحدی را تشکیل ندهد و از سوی دیگر، تأخیر در اجرای تعهدات باعث اتمام ظرف زمانی اجرای قرارداد نشده باشد. در واقع نظر غالب در این حالت این است که فسخ و انحلال قرارداد یا از طریق اقاله و تفاسخ است یا به موجب خیارات قانونی. لذا جایی که هیچ یک از این دو مورد وجود نداشته باشد، عقد استمرار می‌یابد.

ایرادی که به استدلال مذکور وارد می‌باشد این است که در ظرف زمانی اجرای قرارداد در فقه امامیه با خیار تعذر تسلیم مواجه می‌شویم. زیرا نظر غالب در این حوزه این است که اگر مانع حادث دائمی باشد موجب انحلال عقد و اگر موقت باشد خللی به اعتبار عقد وارد نمی‌کند، لیکن متعهدله اجباری به انتظار نداشته و با استناد به خیار تعذر تسلیم می‌تواند عقد را فسخ کند، پس نوبت به تعلیق اجرای قرارداد نمی‌رسد. مگر اینکه با نویسندگانی (حلی، ۱۳۸۳: ۲۶۹) همراه شویم که حکم به صبر متعهدله تا رفع مانع داده‌اند که در این صورت خیار تعذر تسلیم مبنای خود را از دست می‌دهد. یا اینکه اینگونه استدلال شود که از حالت مورد بحث اساساً خیار تعذر تسلیم خروج موضوعی دارد؛ زیرا مجرای خیار مزبور جایی است که به صورت موقت، اجرای تعهد غیر ممکن شود لیکن در فرض حدوث امور غیر قابل پیش‌بینی، اجرای تعهد به صورت موقت با دشواری و مشقت سنگین همراه شده است بدون اینکه غیر ممکن شود؛ در نتیجه برای حفظ مصلحت تمامی اطراف درگیر، حفظ عقد و حکم به تعلیق اجرای آن، منطبق با موازین حقوقی و عدالت و انصاف خواهد بود.

۳-۲. کاهش و افزایش تعهدات یا تعدیل تعهدات

در تعدیل تعهدات طرفین به‌عنوان یکی از مجاری تعدیل در قراردادهای اداری، در صورتی که حوادث پیش‌بینی نشده تعادل و توازن اقتصادی قرارداد را به هم زده و حالت موقتی نداشته باشد تا

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

بتوان از تعلیق و تأخیر اجرای قرارداد استفاده کرد، قاضی با اعتقاد به ادامه رابطه قراردادی و البته در صورتی که امکان ادامه این رابطه وجود داشته باشد، حکم به تعدیل تعهدات طرفین داده و با تخصیص و تسهیم ضرر حادث، از ورود ضرر فاحش و غیر متعارف به یکی از طرفین جلوگیری کرده و در عین حال مقدمات ادامه رابطه قراردادی را فراهم می‌کند.

در کاهش تعهدات یکی از طرفین برای جبران خسارات ناخواسته، قرارداد با کاهش کیفیت کار و یا میزان تعهد گزاف، تعدیل می‌شود. به‌عنوان مثال به علت تحریم اقتصادی، ورود کالای موضوع قرارداد، ممنوع یا با مشکل مواجه می‌شود. در این صورت، دادگاه برای تعدیل مفاد تراضی می‌تواند از قلمرو تعهدات متعهد به میزانی که ضروری تشخیص می‌دهد بکاهد.

در تعدیل قرارداد از طریق افزایش تعهدات یکی از طرفین، با افزایش بهای کالا یا خدمات موضوع قرارداد و بالطبع، افزایش مبلغ قرارداد از سبکی تعهد طرف مقابل (مستفید از حوادث نامنتظر) کاسته می‌شود و تعادل قراردادی دوباره برقرار می‌گردد. برای مثال در اثر هدفمندی یارانه‌ها بهای محصولات نفتی مانند قیر که در ساخت و ساز جاده‌ای بسیار مهم است، افزایش می‌یابد. در این صورت تعدیل می‌تواند به صورت افزایش بهای قراردادی پیمانکاران ساخت جاده و خیابان باشد. این همان امری است که در قراردادهای اداری که بیشتر از مدل افزایش تعهدات مستفید حوادث نامنتظر استفاده می‌گردد، تحت عنوان «تعدیل آحاد بها» نام برده می‌شود. (رستمی، ۱۳۹۴: ۲۲۳ – ۲۲۲)

لذا این روش نیز همانند تعلیق اجرای تعهدات قراردادی، با ویژگی‌ها و تعریف یادشده برای تعدیل هماهنگی داشته، تا جایی که می‌توان چنین روشی را تعدیل به معنای واقعی کلمه در قراردادهای اداری دانست. البته باید به این نکته اشاره کرد که افزایش نرخ کالاها و خدمات در این روش تا میزان قیمت واقعی نخواهد بود. علت این مسئله چنین توجیه می‌شود که این امر موجب تحمیل ناعادلانه بر طرف دیگر قرارداد است و قانون مبادله نیز اقتضا دارد که همانطور که مدیون، افزایش متعارف قیمت را بر عهده دارد، دائن نیز کاهش متعارف قیمت را تحمل کند و تنها آنچه غیرمتعارف است، میان طرفین تقسیم شود. (شفایی، ۱۳۷۶: ۱۵۰)

لذا برخلاف قراردادهای خصوصی، تعدیل قرارداد در قراردادهای اداری با توجه به طولانی مدت بودن این نوع قراردادها و تأمین منافع عمومی، غالباً از طریق افزایش تعهدات طرف دولتی و به صورت تعدیل مبلغ قرارداد پیش بینی شده است. (رستمی، ۱۳۹۴: ۲۲۶)

نکته مهمی که برخی نویسندگان (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۸۹) در تعدیل تعهدات قراردادی با افزایش و کاهش تعهدات عنوان می‌کنند این است که منظور از تعدیل تعهدات این نیست که تمامی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

خسارات وارده به یکی از طرفین تحمیل شود. بنابراین دادگاه در مقام اجرای این راه حل به عنوان تعدیل اجرای قرارداد، از یک سو افزایش هزینه‌های متعارف را بر عهده متعهد قرار داده و از طرف دیگر هزینه‌های مازاد آن را بین طرفین تقسیم می‌کند. اما متعهدله مجبور به پذیرش این افزایش تعهد نیست و می‌تواند برمبنای لاضرر حکم دادگاه مبنی بر تعدیل تعهدات را نپذیرفته و قرارداد را فسخ نماید. همین نویسنده در جای دیگر می‌نویسد (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۹۶) با پذیرش نظریه تغییر اوضاع و احوال بر مبنای شرط ضمنی، در هر قراردادی یک شرط ضمنی موجود است که بر اساس آن لزوم قرارداد و التزام به تعهدات قراردادی منوط به امتداد و استمرار اوضاع و احوال و شرایط زمان انعقاد قرارداد است. بنابراین هرگاه در اثر حوادث پیش‌بینی نشده، تعادل و توازن قراردادی به هم خورده و اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد به شکل اساسی تغییر نماید، متضرر با استناد به شرط ضمنی مذکور حق فسخ قرارداد را دارد. بنابراین اولین اثری که از نظریه تغییر اوضاع و احوال به دست می‌آید فسخ قرارداد است مگر اینکه طرفین با راهنمایی قاضی در خصوص تعدیل شرایط قراردادی به توافق برسند.

ایرادی که به این دیدگاه وارد می‌باشد این است که اگر متعهدله بتواند حکم دادگاه در خصوص تعدیل تعهدات طرفین را با امکان فسخ قرارداد بی‌اثر کند، عملاً اتخاذ این راه حل در اختیار وی بوده و حکم دادگاه جنبه اختیاری پیدا خواهد کرد که این امر بر خلاف اصل لزوم و حتمیت در احکام مراجع قضایی است. مضاف بر اینکه حتی در نظر اخیر که اعمال تعدیل را به عنوان راه حل فرعی معرفی می‌کند که با راهنمایی قاضی، متعاقدین می‌توانند بپذیرند و با فرض پذیرش چنین دیدگاهی، باز هم متعاهدین پس از حکم دادگاه به تعدیل تعهدات، حق فسخ عقد را نخواهند داشت. زیرا فرض بر این است که از حق فسخ گذشته‌اند که دادگاه حکم به تعدیل داده است. در نتیجه به نظر می‌رسد که اگر دادگاه در اعمال نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی، راه حل تعدیل تعهدات طرفین را در پیش گیرد، به هر نحوی که تعهدات را تعدیل و اقدام به صدور حکم کند، متعاقدین مکلف به اجرای رأی دادگاه بوده و به تنهایی حق عدول از آن و فسخ قرارداد را ندارند.

۳-۳. حکم به خسارت

همانطور که قبلاً نیز گفته شد، به اعتقاد برخی از نویسندگان، امور غیرقابل پیش‌بینی در حوزه حقوق اداری، عبارت از وضعیت جدید و حادثی است که به دنبال به‌هم خوردن تعادل اقتصادی جامعه (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۳۲) به متعاقدین تحمیل شده و تعادل اقتصادی قرارداد ایشان را نیز مختل

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

می‌نماید؛ لیکن از آنجائی که در این حوزه، موضوع قرارداد انجام و تأمین خدمتی از خدمات و منافع عموم است؛ لذا پیمانکار حق توقف اجرای قرارداد را نداشته و بایستی موضوع قرارداد را انجام دهد و در مقابل به دلیل بروز امور غیرقابل پیش بینی، محق است تا خسارات و غرامات حاصله از چنین اموری را از دستگاه اداری مطالبه نماید.

مبنایی که برای این دیدگاه معرفی می‌شود، نظریه مسئولیت غیر قراردادی است. تحلیل نظریه مسئولیت غیرقراردادی در حصول به حق پیمانکار در مطالبه غرامت از دستگاه اداری به این صورت است که گفته می‌شود دولت مکلف است طرف قراردادی را که در وضعیت سخت و مشقت باری قرار گرفته و با تحمل هزینه‌های زیاد ملزم به اجرای تعهدات قراردادی است، حمایت کرده و خساراتی را که بر اثر تغییر اوضاع پیش آمده، هر چند که در قرارداد پیش بینی نشده است را جبران نماید.

لیکن ایراد اساسی که به تمسک به نظریه مسئولیت غیرقراردادی در حکم به جبران خسارت از طرف دولت وجود دارد این است که، اولاً در محل بحث بین دستگاه اداری و پیمانکار رابطه قراردادی وجود دارد و در ثانی در نظریه مسئولیت غیر قراردادی یکی از ارکان اساسی مسئولیت، فعل زیانبار عامل زیان است. رکنی که در فرض امور غیر قابل پیش‌بینی مفقود است. در نتیجه استناد به نظریه مسئولیت غیرقراردادی برای توجیه حق پیمانکار در مطالبه غرامت از کارفرما صحیح به نظر نمی‌رسد.

با این حال بر اساس اصل همکاری مشترک متعاقدین در اجرای تعهدات قراردادی در قراردادهای اداری می‌توان حکم به جبران خسارت توسط کارفرما را توجیه کرد. به این صورت که بر اساس اصل مزبور که تقابل منافع در قرارداد را به اتحاد و اشتراک منافع تبدیل می‌کند، از جمله تعهدات و مسئولیت‌های قراردادی اطراف عقد، همکاری در تحقق موضوع آن است. در نتیجه وقتی که متعهد در قرارداد اداری به دلیل بروز امور غیر قابل پیش‌بینی، هزینه‌های سنگینی را جهت اجرای قرارداد متحمل می‌شود، بر اساس اصل همکاری که جلوه‌ای از اصل حسن نیت در قراردادها است، دستگاه اداری بایستی از عهده بخشی از خسارات وارده برآید. پس بر اساس مسئولیت قراردادی بر مبنای اصل همکاری مشترک در قراردادهای اداری، در صورت بروز امور غیرقابل پیش‌بینی، پیمانکار حق مطالبه غرامت و خسارت از کارفرما را خواهد داشت.

با این حال، تفسیری که از پرونده شرکت گاز بوردو که در واقع شروع کننده تئوری امورغیرقابل پیش‌بینی است، می‌شود ظاهراً بر خلاف دیدگاه فوق است. به این صورت که شورای دولتی فرانسه در رأی مزبور بیان می‌کند که از یک سو بر اساس اصل استمرار خدمات و منافع عموم، در صورت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

بروز امور غیرقابل پیش‌بینی، پیمانکار مکلف به اجرای قرارداد بوده و نمی‌تواند با استناد به این امور، اجرای قرارداد را متوقف نماید و از سوی دیگر نیز حدوث عوامل اقتصادی غیرمنتظره در روابط قراردادی، یک وضعیت فوق‌العاده و خارج از قرارداد را به وجود می‌آورد که در حیطه پیش‌بینی‌های طرفین قرارداد نبوده و در نتیجه اختلافات مربوط به این امور را نمی‌توان بر پایه قرارداد حل و فصل کرد. همچنین اقتضای لزوم تداوم خدمات عمومی نیز نمی‌تواند موجد حق دستگاه اداری در تحمیل تمامی خسارات و هزینه‌ها به پیمانکار باشد. لذا بر پایه مسئولیت غیرقراردادی استدلال می‌شود که اداره طرف قرارداد مکلف است تا از پیمانکار حمایت کرده و تمام یا بخشی از هزینه‌های ناشی از شرایط پیش آمده را جبران نماید تا به این وسیله تعادل و توازن قراردادی احیاء و حفظ گردد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۳۳)

لیکن همان‌طور که گفته شد، به دلیل فقدان ارکان مسئولیت غیر قراردادی در صورت بروز امور غیرقابل پیش‌بینی، استدلال بر اساس اصل همکاری مشترک متعاقدین در قراردادهای اداری به منظور حکم به جبران خسارت توسط کارفرما، صائب خواهد بود. تا جایی که در تعریف پروفسور لوبادر استاد شهیر فرانسوی از نظریه حوادث پیش‌بینی نشده نیز مقرر است که: «هنگامی که حوادثی پیش‌بینی نشده و خارج از اراده متعهد توازن مالی قرارداد را به هم بزند به طوری که اجرای قرارداد را با دشواری مواجه و مخارجی را بر متعهد تحمیل نماید، متعهد در حالی که موظف به اجرای تعهدات خویش است، استحقاق جبران خسارت توسط متعهدله را دارد و بخشی از هزینه و خسارت وارده را خود بر عهده می‌گیرد». (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۲۰۰)

نکته دیگری که ذکر آن در این خصوص ضروری می‌نماید این است که قاضی در صدور حکم به خسارت شرایط طرفین را در نظر گرفته و مجموع سود و زیان متعهد را در طول اجرای قرارداد محاسبه کرده و سپس سهمی از خسارت را به متعهد تحمیل می‌نماید و از این طریق تعادل و توازن از دست رفته قرارداد را جبران کرده و منافع طرفین را نیز در نظر می‌گیرد. (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۲۰۲)

۳-٤. تقسیم سود بین اطراف عقد

آخرین روش انطباق قرارداد که در نوشته‌های حقوقی پیرامون نظریه امورغیر قابل پیش‌بینی مطرح نگردیده، عبارت است از تقسیم سود حاصل از حوادث نامنتظر. این جنبه از تئوری مزبور در حکم

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

بسیار جالب دادگاه تجدید نظر نانسی[۱] در معرفی تعهد به مذاکره مجدد و سپس تعدیل قرارداد در رویه قضایی، مطرح می‌شود.

واقعیت‌های پرونده به این صورت است که شرکت Novacarb (مشتری) از بخار آب، کربنات و بی‌کربنات تولید می‌کند. به غیر از دیگ‌های بخار زغال سنگ و گاز، از تکنیک سازگارتر با محیط زیست یعنی «تولید همزمان انرژی حرارتی و مکانیکی» استفاده می‌کند که شرکت سوکوما (تأمین کننده) ارائه می‌دهد. قرارداد تأمین منعقده در سال ۱۹۹۹ پیش‌بینی کرده بود که هر رویداد بعدی، به ویژه لازم‌الاجرا شدن قوانین جدید، به تأمین کننده (شرکت سوکوما) اجازه می‌دهد تا هزینه‌هایی را که متحمل می‌شود، به قیمت فروش بخار اضافه نماید.

دقیقاً قانونی در سال ۲۰۰۴ در حقوق داخلی فرانسه تصویب می‌شود که سیستم مبادله گازهای گلخانه‌ای را تحت اجرای پروتکل کیوتو قرار می‌دهد. پس به هر تأمین کننده‌ای، سهمیه خاصی در مبادله اختصاص داده می‌شود (Cachard, ۲۰۰۸; ٤٩_ Revet, ۲۰۰٦; ٤٤٣). «سیستم معرفی شده توسط پروتکل کیوتو بهره‌برداران را تشویق می‌کند در تکنیک‌های تولیدی‌ای سرمایه‌گذاری کنند که کمترین آلودگی را داشته و به آنها اجازه دهد در مقابل، از سهمیه اختصاصی به صورت بهینه استفاده کنند. بنابراین، سود حاصل از فروش این سهام باید تولیدکنندگان را به سمت یک انتخاب منطقی از نظر اقتصادی در استفاده از تاسیسات سازگار با محیط زیست سوق دهد، حداقل در صورتی که این کار با هزینه مناسب امکان‌پذیر باشد». (Lamoureux, ۲۰۰۸)

شرکت تأمین‌کننده سوکوما، موفق به صرفه‌جویی و فروش سهام اضافی خود می‌شود، چیزی که برای آن چندین میلیون یورو سود به همراه می‌آورد. شرکت مشتری Novacarb مدعی سهمی از این سود می‌شود که به وسیله اصلاح قانون به وجود آمده است. پس از تلاش ناموفق در مذاکره بین دو طرف، شرکت مشتری Novacarb از تأمین کننده خود شکایت می‌کند.

پرونده مذکور به دو دلیل جالب است. اولاً، در این پرونده، تغییر اوضاع و احوال به دلیل اصلاح قانون حفاظت از محیط زیست با تصویب پروتکل کیوتو است، امری که در راستای حفظ منافع عمومی است. ثانیاً و از همه مهمتر، این فرضیه، خاص است؛ زیرا مربوط به منافعی می‌شود که از

---

۱. CA Nancy, ۲٦ sept. ۲۰۰۷, D. ۲۰۰۸, p. ۱۱۲۰, note M. Boutonnet; D. ۲۰۰۸, pan. ۲۹٦٥, obs. S. Mekki-Amrani; RTD civ. 2008, p. 295, obs. B. Fages; JCP G 2008, II, 10091, note M. Lamoureux. Available at: https://actu.dalloz-etudiant.fr/fileadmin/actualites/pdfs/D2007-2975.pdf

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

تغییر اوضاع و احوال به وجود آمده و نه اینکه اجرای قرارداد به شدت دشوار شده باشد یا اجرا برای یکی از طرفین پس از دگرگونی اقتصاد قرارداد، مخرب و مضر باشد (Cachard, ۲۰۰۸: ۲۹۵).

مشتری که طبق یکی از بندهای قرارداد، هرگونه اصلاحات و تغییرات احتمالی منجر به هزینه‌های اضافی را به قیمت فروش بخار منتقل می‌کند و بنابراین هرگونه هزینه ناشی از مدیریت سهمیه‌ها، یعنی فرضیه‌ای که باید سهمیه‌ها را خریداری کرد را نیز شامل می‌شود، ادعا می‌کند که سهمی از منافع حاصل از اصلاح قانون، در این پرونده، منافع به دست آمده از فروش سهمیه‌های صرفه‌جویی شده، متعلق به وی است.

در بدو امر (محکمه بدوی)، درخواست شرکت مشتری رد می‌شود. دادگاه تجدیدنظر نانسی و در مرحله تجدیدنظر خواهی، اگرچه تأمین کننده را مستقیماً ملزم به تقسیم سود با مشتری خود نمی‌کند، با این حال بر اساس بند ۳ ماده ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ کدسیویل فرانسه یعنی الزامات مربوط به حسن نیت و انصاف، حکمی صادر می‌کند که مذاکره مجدد در قرارداد را تحمیل کرده و حق کنترل عدم موفقیت مذاکره مجدد را نیز برای محکمه محفوظ می‌دارد.

بنابراین برای دادگاه، عدم تعادل ساده احتمالی (Boutonnet, ۲۰۰۸: ۱۱۲۰)، بدون تأثیر شدید بر شرکت مشتری، برای توجیه معرفی تعهد به مذاکره مجدد در قرارداد یا از سرگیری مذاکرات در این مورد کافی است. به علاوه، قاضی حق انطباق قرارداد را در صورت شکست مذاکرات، در اختیار دارد.

توجه داشته باشیم که برای دادگاه «این انطباق قرارداد، فقط در منفعت اطراف عقد نیست، زیرا قیمت فروش بخار، در صورت کمبود سهمیه اختصاص داده شده به تأمین کننده، باید افزایش پیدا کند، تأمین‌کننده‌ای که دارای منفعت است که مشتری‌اش همچنان رقابتی باقی بماند و همچنین در صورت تأمین منافع عمومی نیز نفع می‌برد؛ زیرا تجدیدنظر در قرارداد، در نهایت منجر به کاهش انتشار گازهای آلاینده خواهد بود» (Lamoureux, ۲۰۰۸).

همچنین باید توجه داشت از آنجائیکه «این مسأله توزیع خسارت نیست تا یک طرف قرارداد بتواند از پس بحران قراردادی که با آن روبرو شده است برآید، بلکه تقسیم سودهای به دست آمده منحصراً توسط یکی از طرفین به دنبال تغییر قانون و به کمک تلاش مشترک هر دو طرف قرارداد است» (Mazeaud, ۲۰۰۸: ۷۳۸)، استدلال مرتبط با حسن نیت و انصاف ضروری بوده و بنابراین مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس، اگر اطراف عقد به هیچ یک از پیمان‌های اجتماعی توجیه کننده تقسیم منافع مرتبط نباشند، با توجه به ویژگی آن، این توافقنامه شامل یک تعهد همکاری وفادارانه و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

با حسن نیت است که مانع از در نظر گرفتن تلاش‌های هر کدام از طرفین نمی‌شود. وضعیت وابستگی متقابل منافع طرفین که در این فرضیه با این واقعیت منعکس می‌شود که «تأمین کننده نیز به مشتری خود وابسته است تا سود خود را به دست آورد، رفتار Novacarb در امتناع از خرید سهام اضافی باعث می‌شود که شرکت سوکوما سود خود را از فروش سهمیه‌ها از دست بدهد» (Boutonnet, ۲۰۰۸: ۱۱۲۰)، در معرفی تعهد مذاکره مجدد و سپس تعدیل قضایی قرارداد، در این پرونده تأثیر داشته است.

در نتیجه از آنجایی که دادگاه تجدیدنظر نانسی در پرونده مذکور، مذاکره مجدد را به متعاقدین تحمیل و در صورت شکست مذاکره، حق انطباق خود را محفوظ داشته، نشان می‌دهد که از یک سو، عدم تعادل حادث بر قرارداد با جلب سود و منفعت را احراز نموده و از سوی دیگر، در صورت عدم نتیجه از مذاکره مجدد، خود اقدام به انطباق قرارداد با توزیع سود بین طرفین می‌نماید.

علاوه بر پرونده مذکور، جهت تحلیل این شیوه از اجرای نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی در قراردادهای اداری می‌توان مثال‌های دیگری را نیز ذکر کرد. به عنوان نمونه فرض کنید وزارت راه جهت اجرای پروژه‌های راه‌سازی در سراسر کشور، طی اطلاعیه‌ای پیمانکاران را به منظور شرکت در مناقصه تأمین ماشین آلات خارجی بخصوصی، دعوت به ارائه پیشنهاد می‌نماید، با این قید که برای هر ناحیه‌ای از کشور مناقصه مستقلی برگزار شده و قراردادهای متعددی با پیمانکاران مختلف منعقد خواهد شد (یک پیمانکار حق شرکت در تمامی مناقصات را ندارد). در چنین مناقصاتی غالباً پیمانکاران متقاضی شرکت در مناقصه قبل از ارائه پیشنهاد خود، با پیمانکاران جزء وارد مذاکره شده و پس از اخذ قیمت ماشین آلات از ایشان و افزودن مبلغی به آن، مبادرت به ارائه پیشنهاد می‌نمایند.

پس از برنده شدن پیمانکار اصلی در مناقصه و انعقاد قرارداد بین او و کارفرما و در راستای قرارداد اصلی مزبور، قرارداد تأمینی نیز بین پیمانکار اصلی و پیمانکار جزئی که قیمت پیشنهادی او مبنای ارائه پیشنهاد توسط پیمانکار اصلی بوده، منعقد می‌گردد. حال فرض کنید پس از انجام تمامی مناقصات و انعقاد قراردادهای متعدد با پیمانکاران اصلی در سراسر کشور، به دلیل حدوث تحریم‌ها و شرایط جنگی و نیاز مبرم به برقراری ارتباط با کشورهای همسایه و طی قانونی مقرر می‌گردد در صورت تسریع مدت خاصی در ارائه ماشین آلات راه‌سازی، مبلغ معینی به مبلغ پیشنهادی پذیرفته شده اضافه خواهد شد. در این بین نیز برخی از پیمانکاران جزء واقعاً موفق به سفارش خرید، بارگیری، ورود، ترخیص و تحویل زودهنگام ماشین آلات موضوع قرارداد شده، امری که منجر به استحقاق پیمانکار اصلی در دریافت اضافه مبلغ مصوب از کارفرما می‌گردد. در این فرض امور غیر

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

قابل پیش‌بینی منجر به جلب سود و منفعت شده، سودی که حاصل از اجرای قراردادها (فرعی و به تبع آن اصلی) و تلاش مشترک متعاقدین (پیمانکار اصلی و پیمانکار جزء) بوده، لیکن فقط عاید یکی از ایشان (پیمانکار اصلی) می‌گردد. در اینجا نیز به عنوان شیوه‌ای از اجرای نظریه امور غیر قابل پیش بینی، نهایتاً به انطباق قرارداد با تقسیم سود بین طرفین می‌رسیم.

نکته‌ای که در تحلیل مبنایی این شیوه از اجرای نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی توجه به آن مهم می‌نماید این است که همان‌طور که بیان شد در تحلیل مبنای پرونده دادگاه نانسی به دو نکته اشاره می‌شود: از یک سو در قرارداد تأمین بین تأمین‌کننده و شرکت مشتری ذکر شده بود که در صورت افزایش هزینه‌های تأمین، تأمین‌کننده می‌تواند هزینه‌های مزبور را به قیمت فروش بیافزاید، پس چنین هزینه‌هایی بر عهده شرکت مشتری بوده و لذا، چون در حال حاضر به جای هزینه‌های اضافی، با تصویب قانون سود جلب شده، چنین سودی نیز به شرکت مشتری تعلق خواهد گرفت. از سوی دیگر نیز توافقنامه فیمابین، شامل یک تعهد همکاری وفادارانه و با حسن نیت است که مانع از در نظر گرفتن تلاش‌های هر کدام از طرفین نمی‌شود. صرف‌نظر از تحلیل اخیر مربوط به تعهد همکاری وفادارانه و با حسن نیت، با توجه به قسمت اول استدلال می‌توان در نظام حقوقی داخلی از ملاک قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» (علوی قزوینی و مسعودیان زاده، ۱۳۹۳) و اصل ۱۶۷ قانون اساسی به منظور حکم به تجدیدنظر در قرارداد و تقسیم سود بین اطراف عقد به عنوان شیوه‌ای از انطباق قرارداد متعاقب امور غیر قابل پیش بینی استفاده کرد.

لیکن، همانطور که در مثال دوم بیان شد، قرارداد فیمابین همیشه واجد شرط افزودن هزینه‌های حادث نیست تا از آن به این نتیجه رسید که سود حادث نیز می‌بایست تقسیم گردد، لذا به‌نظر می‌رسد که مبنای اصلی تقسیم سود حادث به عنوان شیوه‌ای از انطباق قرارداد در نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی در قراردادهای اداری، مضاف بر الزام به همکاری و اجرای قرارداد به صورت وفادارانه و با حسن نیت در نادیده نگرفتن تلاش‌های اطراف عقد، شرط ضمنی عدم تغییر قرارداد در صورت عدم تغییر اوضاع و احوال و در نتیجه، تقسیم و تسهیم سود در صورت حدوث سود متعاقب وقوع امور نامنتظر است. به همین دلیل نیز می‌توان گفت ماده ۱۱۹۵ کدسیویل فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ که آخرین قانونگذاری در این خصوص از نگاه تطبیقی می‌باشد، تمام نیست. زیرا بر خلاف ماده (۳)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

۶:۱۱۱ اصول اروپایی[۱] که تنها مقرره‌ای است که علاوه بر فرض زیان، فرض سود حاصل از امور غیر قابل پیش‌بینی را نیز در نظر می‌گیرد، هیچ اشاره‌ای به حالت حدوث سود ندارد.

پس، تقسیم سود نیز یکی دیگر از روش‌های انطباق قراردادهای اداری در تئوری امور غیر قابل پیش‌بینی است که می‌بایست در شناسایی و تحدید این نظریه به ویژه در نظام‌های حقوقی که هنوز از لحاظ قانونی صراحتاً آن را مورد تقنین قرار نداده‌اند مانند نظام حقوقی ایران، مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

از تحلیل صورت گرفته در نوشته حاضر به این نتیجه می‌رسیم که نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی و اعمال آن در قراردادهای اداری، با هدف منطبق کردن قرارداد با خواست طرفین و ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. با در نظر گرفتن قوانین و مقررات مربوطه از نظر تطبیقی و در نوشته‌های حقوقی سه روش اجرایی برای تعدیل و انطباق قرارداد معرفی می‌شود که عبارتند از: ۱- تعلیق و تأخیر اجرای قرارداد؛ که جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که وقایع حادث به صورت موقتی بوده و زمان انجام تعهد با تعهد قراردادی، دارای وحدت مطلوب نباشد. ۲-کاهش میزان تعهد گزاف و یا افزایش میزان تعهد طرف مقابل؛ روشی که به ویژه در قراردادهای اداری مورد استفاده قرار می‌گیرد و غالباً مهم‌ترین روش انطباق قراردادی را تشکیل می‌دهد و در نهایت، ۳- حکم به پراخت خسارت؛ که مبنای آن را حتی در پرونده گاز شهر بردو که آغازگر تئوری امور غیرقابل پیش‌بینی است، مسئولیت غیرقراردادی می‌دانند، اما با توجه به ایرادات وارده، مسئولیت غیرقراردادی نمی‌تواند توجیه کننده پرداخت خسارت به‌عنوان شیوه‌ای از انطباق قرارداد باشد و در نتیجه برای روش پرداخت خسارت، مبنای همکاری منبعث از حسن نیت قراردادی پیشنهاد می‌شود.

لیکن همانطور که بیان شد نتیجه حدوث امور غیر قابل پیش‌بینی ممکن است صرفاً سنگین و پرهزینه شدن اجرای قرارداد نباشد، بلکه برعکس، منجر به جلب سود و منفعت گردد. سودی که از یک سو حاصل از اجرای قرارداد و در نتیجه، تلاش مشترک متعاقدین بوده لیکن از سوی دیگر، فقط عاید یکی از آن‌ها می‌شود. در حالت اخیر نیز نظریه امورغیر قابل پیش‌بینی قابلیت ارائه راه‌حل را داشته که همانگونه که در رأی دادگاه تجدیدنظر نانسی بیان شد، در تقسیم سود حاصل از تغییرات حادث به عنوان روشی نوظهور از انطباق قرارداد و بر مبنای تعهد همکاری وفادارانه و باحسن نیت در

---

۱ . «۳) اگر طرفین در یک زمان معقول توافق نکنند، دادگاه می‌تواند: ب) یا قرارداد را تطبیق دهد تا سود و زیان ناشی از تغییر شرایط را بین طرفین توزیع کند».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

نادیده نگرفتن تلاش‌های اطراف عقد در جلب سود نامنتظر و همچنین در حقوق داخلی بر مبنای ملاک قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» و اصل ۱۶۷ قانون اساسی و در نهایت، شرط ضمنی تداوم ثبات قرارداد در صورت عدم تغییر اوضاع و احوال ظاهر می‌شود.

بنابراین نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی در قراردادهای اداری مبنایی است برای انطباق قرارداد، که نه تنها جنبه سلبی وقایع نامنتظر در سخت و پرهزینه شدن اجرای تعهدات قراردادی را شامل می‌شود بلکه، جنبه ایجابی این وقایع در صورت حصول سود و منفعت را نیز شامل شده و با انطباق قرارداد در تمامی حالات متصوره، باعث تأمین عدالت قراردادی می‌گردد. در نتیجه پیش‌بینی قانونی نظریه مزبور در نظام حقوقی ایران همانند ماده ۱۱۹۵ کدسیویل فرانسه البته با ملحوظ نظر قرار دادن فرض جلب سود که مقرره اخیر توجهی به آن ندارد، مطلوب خواهد بود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

انصاری، ولی الله (۱۳۹۰). کلیات حقوق قراردادهای اداری، تهران: نشر حقوقدان، چاپ پنجم.

بزرگمهر، امیرعباس و غزال مهرانی (۱۳۹۵). اصلاحات در قانون تعهدت فرانسه، تهران: انتشارات دانشگاه عدالت، چاپ اول.

پارساپور، محمدباقر و حانیه ذاکری نیا (۱۳۹۴). «اقسام، احکام و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد) مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران، رومی ژرمنی، کامن لا و برخی اسناد بین المللی)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۲.

حیدری فرد، علی اکبر (۱۳۹۶). تعدیل قرارداد توسط قاضی، تهران: انتشارات خرسندی.

رستمی، ولی (۱۳۹۴)، «تعدیل در قراردادهای اداری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۴، شماره ۲.

شفایی، محمدرضا (۱۳۷۶). بررسی تطبیقی تغییر اوضاع و احوال در قراردادها. تهران: ققنوس.

صادقی مقدم، محمد حسن (۱۳۷۹). تغییر در شرایط قرارداد، تهران: نشر دادگستر.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۱). حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ هشتم.

علوی قزوینی، سید علی و مسعودیان زاده، سید ذبیح اله (۱۳۹۳)، «قاعده من له الغنم فعلیه الغرم»، فصلنامه پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، دوره جدید، شماره ۱.

غمامی، مجید و حسین خدادادی (۱۳۹۴). «دشوار شدن اجرای قرارداد و اثر آن»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دورهٔ ۴۵، شمارهٔ ۴.

محقق حلی (ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن) (۱۳۸۳). شرایع الاسلام، جلد اول همراه با تعلیقات سید صادق شیرازی، انتشارات استقلال، چاپ هفتم.

مزارعی، علی (۱۳۹۴). تئوری عدم پیش بینی و تعدیل قرارداد، تهران: انتشارات مجد.

ب. منابع لاتین

- Boutonnet, M. (2008). note sous CA Nancy, 26 sept. 2007, D.

- CA Nancy, 26 sept. 2007, D. 2008, p. 1120, note M. Boutonnet; D. 2008, pan. 2965, obs. S. Mekki-Amrani; RTD civ. 2008, p. 295, obs. B. Fages; JCP G 2008, II, 10091, note M. Lamoureux. Available at: https://actu.dalloz-etudiant.fr/fileadmin/actualites/pdfs/D2007-2975.pdf

- Cachard, O. (2008). "L'ombre de la révision judiciaire du contrat", Rev. Lamy dr. civ.

- Fages, B. (2008). Invitation judiciaire à adapter le contrat, RTD civ.

- Lamoureux, M. (2008). note sous CA Nancy, 26 sept. 2007, JCP G, II, ۱۰۰۹۱.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]

- Mazeaud, D. (2008). note sous CA Nancy Juris-Data no 2007-350306, RDC.
- Mazeaud, D. (۲۰۰۵). «La révision du contrat » , LPA ۳۰ juin ۲۰۰۵, p. ٤, spéc. p. 17.
- Revet, Th. (2006). « Les permis de polluer », in Les responsabilités environnementales dans l'espace européen, Point de vue franco-belge, Viney G., Dubuisson B. (sous la dir. de), Schulthess, LGDJ.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.271]